

## از پولیت بوروی شاهنشاهی

تا

### پولیت بوروی شورای باصطلاح ملی

امیر فیض- حقوقدان

پولیت بورو که به معنای دفتر سیاسی است از اصطلاحاتی است که در حقوق سیاسی کشور جمهیر شوروی سابق، جاگاه خاص و مهمی داشته است.

دفتر سیاسی ویاپولیت بوروی شوروی بشرح زیر تعریف شده است:

«دفتر سیاسی در سال ۱۹۱۷ بوسیله نین پایه گذاری شد تا انقلاب را هدایت کند و پس از سال ۱۹۱۹ دفتر مزبور به مرکز قدرت سیاسی شوروی تبدیل شد و اولین دفتر سیاسی تنها پنج (۵) عضو داشت که عبارت بودند از نین - تروتسکی - استالین - لوکمانف و کریستینسکی.»

دفتر سیاسی نهاد اصلی قانونگزاری و سیاست گذاری حزب و این نهاد از بالاترین اعضای کمیته مرکزی تشکیل و قدرت واقعی جمهیر شوروی را در دست داشت، و همواره تصمیمات کلان از جانب آن دفتر اتخاذ میشد و مرکز آنهم در کرملین بود به گواهی تاریخ شوروی، خانمها عضویت دفتر سیاسی را نداشته اند.

### پولیت بوروی شاهنشاهی

اسناد سیاسی دوران سلطنت شاهنشاه ایران حاکی است که در دوران حکومت سپهبد زاهدی یک پولیت بورو (باهمین نام) موقتا وجود داشته است.

آقای جهانگیر تفضلی نوشته است:

«در میان دوره حکومت سپهبد زاهدی به شاه پیشنهاد کردم که اگر صلاح میدانید یک پولیت بورو تشکیل شود؛ که اوامرا علیحضرت و نظراتشان رایک عده ای در اطرافش فکر کنند که از چه راهی بهتر و زودتر اجرا و عملی میشود. چنین بنظر رسید که شاه از این نظر که در روند سیاست استالین بود استقبال کرد و فرمود شما صورتی از اشخاصی که بنظرتان میرسد و صلاحیت شرکت در پولیت بورو را دارند تهیه کنید سه روز بعد که احضار شدم نامهایی که بنظرم شایسته شرکت در پولیت بورو بودند بر روی کاغذ نوشته و تقدیم شاه کردم آن اشخاص عبارت بودند از:

دکتر علی امینی - عبدالله انتظام - اسدالله علم - سپهبد عبدالله هدایت - سرلشگر نصیری و سرتیپ بختیار.

آقای تفضلی در گزارش مفصل خود به انجام تصمیماتی از قبیل ورود به پیمان بغداد و برکناری سرلشگر زاهدی از نخست وزیری و تصمیماتی که میتوان عنوان تصمیمات کلان سیاسی به آن داده شده است.

برداشتهای قابل استفاده تطبیقی پولیت بورو با دفتر سیاسی شورای باصطلاح ملی

برادشتهای این تحریر، از مختصر فشرده درباره پولیت بورو (دفتر سیاسی) جماهیر شوروی و پولیت بوروی شاهنشاهی اینهاست:

۱- مبتکر فکر دفتر سیاسی لنین بوده و در حقوق سیاسی کشورها از جمله قانون اساسی مشروطیت ایران چنین پایگاهی دیده نمیشود شاید بتوان گفت که شورای مصلحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی تا حدودی شباهت نزدیک به دفتر سیاسی جماهیر شوروی دارد، زیرا بالاترین مقام و قدرتی است که میتواند حتی فروع و واجبات دین و حتی اصول قانون اساسی را متوقف الاجرا سازد

دفتر سیاسی شورای به اصطلاح ملی! تقلید و کپی پولیت بوروی شوروی است که میتوان گفت به ابتکار اعلیحضرت ویا [حشمت الله] طبرزدی در زندان جمهوری اسلامی! زائیده شده و قدرتی که برای آن دفتر سیاسی منظور شده واجد کاملیتی است که شورا و هیئت مدیره آنرا تحت الشعاع قرار داده است.

با آنکه تاکنون یک متن رسمی و تصویب شده از اقتدار حقوقی دفتر سیاسی و هیئت مدیره شورامنتشر نشده، ولی در اولین نسخه ای که در مدت کوتاهی در دسترس بود **تصمیمات سیاسی کلان** (باهمین عبارت) در اختیارات دفتر سیاسی ملاحظه شد. دقیقاً اصطلاحی که در اختیارات دفتر سیاسی یا پولیت بوروی حزب کمونیست شوروی منعکس است.

۲- برجسته ترین شخصیت سیاسی کشور شوروی عضو دفتر سیاسی بوده اند، و همچنین در دفتر سیاسی شاهنشاه (پولیت بوروی شاهنشاهی) برجسته ترین و ممتازترین و مشهورترین شخصیت های سیاسی و نظامی آن زمان کشور، عضو دفتر سیاسی بوده اند بنحوی که شاید بشود گفت که در آن زمان، افراد مذکور از بهترین افراد باتجربه و ریشه دار ایران بوده اند.

توجه به ترکیب شخصیت های تشکیل دهنده پولیت بورو در جماهیر شوروی و شاهنشاهی ایران این مهم را بتصدیق میآورد که دفتر سیاسی بمناسبت اقتداری که دارد و دستورات اوست که به هیئت مدیره برای اجرا ابلاغ میشود باید متشکل از شخصیت های برجسته و باتجربه و آگاه به مقاصد و اهداف کشور و مورد اعتماد و یاسازمان باشند و دفتر سیاسی یک امر تبلیغاتی و نمایشی نیست و در واقع، وزن و اهمیت تصمیمات و موجودیت شورا و هیئت مدیره آن بسته به شخصیت افراد تشکیل دهنده دفتر سیاسی است.

اصولاً کسانی که در مصادر تصمیم گیری امور کشور و یاسازمانها و احزاب هستند باید واجد شخصیت، معروفیت، وزنه سیاسی - با سابقه و غنی از تجربه در کار سیاسی و معروف و شناخته شده و پربار از اعتماد عمومی باشند در همین آمریکا شورای امنیت ملی آمریکا تشکیل شده از کسانی که بیشترین شهرت و سابقه اداری و نظامی و امنیتی را دارا هستند.

در مقام تطبیق ملاحظه میشود که این رکن مسلم یعنی تشکیل دفتر سیاسی شورای ملی از افرادی باشخصیت سیاسی، باتجربه سیاسی و مورد احترام و اعتماد جامعه ایرانی اعم از بیرون و درون کشور **کاملاً تهی** است و بجای آن افراد، کسانی هستند کاملاً ناشناخته برای مردم، نا آشنا به مبارزه سیاسی و وضعیت کشور، بی تجربه در کارهای سیاسی و در عبارت کوتاه وزنه هانی که قادر به تحمل و حتی درک مشکلات مبارزه علیه جمهوری اسلامی باشند نیستند همان نامه ای که به خامنه ای نوشته شده به عبارتی! دلیل خامی، نادانی، فقر تشخیص و نا آگاهی از جریان حاکم بر مبارزه است. هر انسان کمی آگاه به جریان حاکم بر مبارزه میداند که نمیشود از یکطرف مدعی آزادیخواهی

و دمکراسی شد و متقابلاً به حکومت کشوری که به گزارش گزارشگران بدون مرز در نقص آزادی بیان ردیف ۱۷۴ در بین ۱۹۷ کشور است، اظهار عبودیت و بیعت کرد، نمیشود خامنه ای را مستبدی خونخوار و متهم به ارتکاب جنایت بشری شناخت و از سوی دیگر، آن نامه [پراز طمطراق] را به او نوشت. این یک نوع عجز و لاعلاجی است که بقول سعدی باعث تشویق اوبه شرارت میشود و تمام ارکان مبارزه علیه جمهوری اسلامی را به تزلزل میکشد.

اظهار عجز پیش ستمگر و مدار اشک کباب باعث طغیان آتش است

### علت انتصاب آدم های حقیر به کارهای بزرگ

مسئله قابل توجه این نیست که چرا افراد دفتر سیاسی شورا خام و بی تجربه و تهی از آموزش های سیاسی و مبارزاتی هستند؛ چرا که در یک جامعه همانطور که افراد زیادی، نظیر منتصبین در دفتر سیاسی کنونی شورا هستند، آدمهای باتجربه و آشنا و مورد اعتماد مردم هم زیاد هستند، لذا اینکه این افراد سطحی و بی سابقه و بیاباسوابق مشکوک به تصدی دفتر سیاسی گمارده شده اند، مسئله مهم و درک کردنی و قابل علت یابی است.

پاسخ این پرسشی که ممکن است کلی باشد میتوان چنین یافت:

انسان برای استخدام نوکر و فرمانبردار، کسانی را انتخاب میکند که بیشتر از دیگران روح فرمانبرداری و اطاعت داشته باشند و در مقابل امر و فرمان، چرا و دلیل اجرا نخواهند و به اصطلاح شاخ برای ارباب نشوند و نیز کسانی به نوکری انتخاب شوند که شغل نوکری و فرمانبرداری برای او یک امتیاز و ترقی اجتماعی و سیاسی محسوب شود.

هردوی این خصوصیات در انتصاب افراد دفتر سیاسی بکار گرفته شده است که وقتی به آنها گفته میشود نسبت به خامنه ای کرنش و بیعت کنید، نه و یا چرا نگویند. وقتی به آنها گفته میشود شرکت در انتخابات راتوصیه کنید، نگویند ای بابا ماهفته قبل تحریم راتوصیه کردیم حالا چطور توصیه شرکت در انتخابات رامطرح سازیم؟ و وقتی به آنها گفته میشود توصیه آمرانه کنید که مردم رای شان را به سفارت [بیگانه] بدهند نگویند آخرین کار خیلی بدویی سابقه است.

تاریخ ایران هم نشان میدهد که فرمانروایان کشور تمایلی به داشتن خدمتگذاران شایسته و دانا و پایشخصیت، کمتر داشته اند و حتی در محو آنها هم بی علاقه نبوده اند و بیشتر متمایل به کسانی بوده اند که شخصیت آنها در حد اطاعت محض شکل یافته و از طبقات پائین باشند.

البته عوام این اطاعت محض دفتر سیاسی را از بیگانه به حساب جهل و عدم تشخیص خیر و شر میگذارد ولی واقعیت در رابطه اطاعت و نوکری بیگانه است والا، حضرات آنقدر احمق نیستند که از تشخیص این مسائل پیش پا افتاده عاجز باشند.

انسان ها بیشتر بدنبال طرف توجه قرار گرفتن هستند و هر چیز و هر کسی که این موقعیت را برای آنها فراهم کند نمک گیر و قدردان میشوند البته بطور موقت.

افرادی که به انتصاب باصطلاح دفتر سیاسی درآمده اند در سطح مبارزه ایرانیان خارج از کشور ناشناس، بی اعتقاد، بی تجربه، بعضاً باکوله باری از اتهام و ابستگی به جمهوری اسلامی و در نهایت افرادی فاقد شخصیت سیاسی و بی اعتماد ایرانیان داخل و خارج هستند، این افراد وقتی به مقام

وموقعیتی نهاده شوند که شخص اعلیحضرت به کارمندی آن عده معرفی میشود البته که نمک گیر «آقای» خود میشوند و به بهای طرف توجه قرار گرفتن هردستوری که به آنها داده شود اجرا میکنند.

همین سیاست را محمد در ورود به مدینه و جمهوری اسلامی در مورد رجائی و دیگران بکاربرد رجائی که یک معلم مدرسه ابتدائی بود به مقام نخست وزیری جمهوری اسلامی منصوب شد و یک میدان دارتره بارهم به سمت فرمانده پاسدارها و بسیاری نظیر آنها.

### توضیحی برای تکمیل تفاوت

اینجا یک توضیحی برای تکمیل این تفاوت بجاست:

پولیت بوروی شاهنشاهی در زمانی تشکیل شده بود که ارابه سیاست کشور در مسیری محکم حرکت میکرد و در واقع پولیت بورو، حرکت را تسهیل و مرتب مینمود ولی پولیت بوروی شورای باصطلاح ملی! در مسیری فروریخته و شکافته و پوسیده و ناهموار و خطرناک و مملو از دشمنان میخواید حرکت کند و بالطبع خیلی بیشتر نیازه شخصیت‌های باتجربه در راندن ارابه از این راه خطرناک دارد ولی در شرایط حاکم بر مبارزه، رانندگان ارابه کسانی هستند که هر یک مشاغلی داشته و دارند که کوچکترین صلاحیت در آنها برای حرکت دادن ارابه دیده نمیشود.

### وجه تمایز دیگر

در ردیف وجه تمایز بین پولیت بوروی شوروی و پولیت بوروی شورای به اصطلاح ملی! میتوان به دومورد اشاره کرد:

نخست- اینکه در پولیت بوروی شاهنشاهی و جماهیر شوروی، زن عضویت نداشته اند و در پولیت بوروی شورای به اصطلاح ملی! دوتا خانم هم جاخوش کرده اند و این البته امتیازی است!!

دوم- که بسیار قابل توجه و تعمق است؛ این میباشد که در پولیت بوروی جماهیر شوروی شخصیت صدر پولیت بورو معلوم و مشخص بوده (از جمله خروشچف) و در پولیت بوروی شاهنشاهی هم معلوم است که شاهنشاه در صدر قرار داشته به این توضیح که موضوعات از طرف ایشان به پولیت بورو ارجاع میشده ولی در پولیت بوروی شورای ملی! معلوم نیست که صدر پولیت بورو کیست، و لاجرم نمیتوان یافت مرجعی که پولیت بوروی شورا رابه بررسی و اتخاذ تصمیم مقید میسازد کیست.

علت اینکه در پولیت بوروی شورای به اصطلاح ملی! مرجع و مقام ارجاع موضوع معلوم نیست این است که شورای ملی! و پولیت بوروی آن مستقل نیست یعنی کیفیت سیاست و استراتژی آنرا بیگانگان تعیین میکنند. (دلایل در تحریر مهار اپوزیسیون در دست کیست) <sup>۱</sup>

یکی از دلایلی که ترکیب دفتر سیاسی (پولیت بورو) اهمیتی به شخصیت سیاسی و منزلت اجتماعی افراد دفتر سیاسی نداده و کسانی را در آن سمت منصوب کرده که آدم های کوچک و بی اعتبار هستند برای همین است که اشخاص با شخصیت و با اعتبار حاضر نمیشوند که تابع دستورات بیگانه باشند، ولی آدم های سرپانی و بی اعتبارنه تنها درک این ننگ را نمیکند بلکه افتخار هم میکنند که عضو دفتری هستند که دستورات بیگانه را به اجرا میگذارند.

## رابطه کارو کاردانی

کنفسیوس فیلسوف شهیر چینی، به رابطه کارو کاردانی اهمیت بسیاری داده است، گفته پرمغز (برای اینکه کشوری تباه شود کافی است که کارهای بزرگ، به افراد کوچک سپرده شود) از اوست.

کنفسیوس از اینکه افراد به کارهای خارج از تجربه و آموزش آنها سپرده شود، افسردگی خود را پنهان نکرده و از چنان مسیری در اجتماع بنام <آشوب اجتماعی> یاد کرده است.

فرهنگ غنی مایرانیان هم از آن مهم مورد توجه کنفسیوس غافل نبوده و گفتارهای گرانی درباره سپردن کار به کاردان و در بیان کلی <هر کسی را بهر کاری ساخته اند> بیادگار گذاشته اند.

سعدی کتجکاوای خاصی در فلسفه کنفسیوس از خود باقی گذاشته است و گفته است:

به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد که همین سخن بگوید به زبان آدمیت

حکما، آدمیت را در فضائل چندی از قبیل عدل حکمت و خودشناسی دانسته اند، مقصود از خودشناسی این است که انسان خودش را بشناسد که کیست، ظرفیتش از نظر علمی، اعتماد عمومی، تجربه کاری چقدر است و آیا بین اینها و مسئولیت های ناشیه از کار رابطه لازم وجود دارد؟ انسان تا خودش را نشناسد نمیتواند در کاری که مربوط به دیگران است دخالت کند، سنائی در این باب بیت مشهوری دارد؛

هر که او نفس خویش نشناسد      نفس دیگر کسی چه بشناسد

بابا طاهر عریان هم دوبیتی مناسب مورد را چنین یاد کرده است:

تو که ناخوانده ای علم سماوات      تو که نابرده ای ره در خرابات

تو که سود و زیان خود ندانی      بیاران کی رسی هیهات هیهات

**خودشناسی را میتوان به ظرفیت تشبیه کرد که خارج از ظرفیت قبول محتوا ممکن نیست.** ظرفیت چیزی نیست که برای صاحب آن کم و کیف آن معلوم نباشد هر انسانی به ظرفیت خود آگاه است. ظرفیت سبب اهلیت در کار و یا عدم اهلیت میشود.

انسانی که دارای فضائل انسانی است (دارای آدمیت است) خارج از ظرفیتش قبول کار و مسئولیت نمیکند.

در همان نوشته آقای جهانگیر تفضلی در مورد پولیت بوروی شاهنشاهی آمده است:

پس از ارائه صورت شخصیت های پولیت بوروی شاهنشاهی از طرف آقای تفضلی، شاهنشاه به تفضلی میفرماید چرانم خودت راننوشتی؟ تفضلی گفته: <من برای چنین خدمتی کوچک هستم>.

باز در همان گزارش میخوانیم هنگامیکه دولت شاهنشاهی شرکت ایران را در پیوند بغداد تصویب کرد وزیر خارجه کشور استعفا نمود و گفت؛ <من چون در مذاکرات سیاسی ام مخالف شرکت ایران در پیمان های نظامی بودم اکنون مصلحت میدانم که در مقام وزارت خارجه باقی بمانم>

## **این نمونه هابرای این است که انسان خودش باید آدم باشد به حد اقل مراتب آدمیت رسیده باشد که ظرفیت خودش را فدای جاه و مقام نکند.**

اگر این بچه های تخس دفتر سیاسی شورای به اصطلاح ملی! حقیقتاً در بار آدمیت به ظرفیت خودشان و سنگینی بار مبارزه نگاه کنند باید از خجالت و شرم آب شوند، ولی وقتی جای آدمیت راهوس و بلند پروازی و از همه مهمتر لغت و لیس مالی گرفت، و لذا قضیه شکل حاضر را به خود میگردید که گرفته است.

قرآن هم پیروان اسلام را به خودشناسی دعوت کرده و انسان هارا از قبول کارهائی که خارج از طاقت آنهاست منع کرده است، علت اهمیت خودشناسی در قبول کارها تالی فاسد و خساراتی است که از آن مردمان نابکار متوجه کار و مردم میشود.

آدم های بی ظرفیت و فاقد اهلیت، بهرکاری که در آن آب و نانی باشد روی میآورند و نه بفکر حیثیت و شرافت خودشان هستند، زیرا که ندارند، و نه بفکر حاصل کار و زیان وارده به مردم میباشند و آنها در این واهمه همداستان و هم فکرنند که خیال میکنند اگر در جایگاه بزرگان و صاحبان صلاحیت نشستند واجد همان اعتبار و توجه عمومی میگردند در حالی که حقیقت منطبق با این بیت است.

کس نیاید به زیر سایه بوم و رهما از جهان شود معدوم